

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فیش منبر

خصائص امام هادی علیه السلام



کانال فیش منبر در ایتا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار =

<http://www.talabeyar.ir>

اخلاق و سیره عملی

پیشوایان معصوم علیهم السلام انسانهای کامل و برگزیده‌ای هستند که به عنوان الگوهای رفتاری و مشعلهای فروزان هدایت جامعه بشری از سوی خدا تعیین شده‌اند. گفتار و رفتار و خوی و منش آنان ترسیم «حیات طیبه» انسانی و وجودشان تبلور تمامی ارزشهای الهی است .

آنان - به تعبیر امام هادی علیه السلام - معدن رحمت، گنجینه داران دانش، نهایت‌بردباری و حلم، بنیانهای کرامت و ریشه‌های نیکان، خلاصه و برگزیده پیامبران، پیشوایان هدایت، چراغهای تاریکی‌ها، پرچمهای پرهیزگاری، نمونه‌های برتر و حجت‌های خدا بر جهانیان هستند^(۱) .

بدون شک، ارتباط با چنین چهره‌هایی و پیروی از دستورها و رفتارشان، تنها راه دستیابی به کمال انسانیت و سعادت دو جهان است .

پیشوای دهم علیه السلام یکی از پیشتازان دانش و تقوا و کمال است که وجودش مظهر فضائل اخلاقی و کمالات نفسانی و الگوی حق جویان و ستم ستیزان است .

امام هادی پیوسته تحت نظر حکومت‌های جور بود و سعی می‌شد آن حضرت با پایگاههای مردمی و افراد جامعه تماس نداشته باشد، با این حال آن مقدار از فضائل اخلاقی که از او بروز کرده، دانشمندان و شرح حال نویسان و حتی دشمنان اهل بیت علیهم السلام را به تحسین و تمجید آن وجود الهی واداشته است. «ابوعبد الله جنیدی» می‌گوید :

«سوگند به خدا، او بهترین مردم روی زمین و برترین آفریده‌های الهی است^(۲)» .

«ابن حجر» در شرح حال آن حضرت می‌نویسد :

«و کان وارث ایبه علما و سخاء^(۳)» .

او در دانش و بخشش وارث پدرش بود .

«متوکل» در نامه‌ای که برای امام علیه السلام می‌نویسد خاطر نشان می‌کند :

«امیرالمؤمنین عارف به مقام شماسست و حق خویشاوندی را نسبت به شما رعایت می‌کند و طبق آنچه مصلحت شما و خانواده‌تان می‌باشد عمل می‌کند^(۴)» .

اینک به منظور سرمشق گرفتن از اخلاق کریمه و رفتار سازنده آن حضرت نمونه‌هایی را یادآور می‌شویم .

الف - انس با معبود

پیشوایان معصوم علیهم السلام در بالاترین درجه مقام شناخت حق تعالی قرار داشتند و همین درک و بینش عمیق، آنان را به ارتباط و انس همیشگی با خدا واداشته و شعله‌های آتش عشق به معبود و وصال به حق بر جانشان شرر می‌افکند و آرامش را از آنان سلب می‌کرد .

امام هادی علیه السلام شب هنگام به پروردگارش روی می‌آورد و شب را با الت‌خشوع به رکوع و سجده سپری می‌کرد و بین پیشانی نورانی‌اش و زمین جز سنگ ریزه و خاک حائلی وجود نداشت و پیوسته این دعا را تکرار می‌نمود :

«الهی مسیء قد ورد، و فقیر قد قصد، لا تخبیب مسعاه و ارحمه و اغفر له خطاه»^(۵) .

بارالها! گنهکاری بر تو وارد شده و تهیدستی به تو روی آورده است، تلاشش را بی نتیجه مگردان و او را مورد عنایت و رحمت‌خویش قرار داده و از لغزشش در گذر .

پارسایی و انس با پروردگار، آنچنان نمودی در زندگی امام نقی علیه السلام داشت که برخی از شرح حال نویسان در مقام بیان برجستگی‌ها و صفات والای آن گرامی به ذکر این ویژگی پرداخته‌اند. «ابن کثیر» می‌نویسد :

«کان عابدا زاهدا»^(۶)»

او عابدی وارسته و زاهد بود .

یافعی می‌گوید :

«کان متعبدا، فقیها، اماما» .»

او کمر همت به عبادت بسته، فقیه و پیشوا بود .

ابن عباد حنبلی، نیز می‌گوید :

«کان فقیها، اماما، متعبدا»^(۷) .»

امامان معصوم علیهم السلام برای مظاهر دنیوی از جمله مال و ثروت ارزش ذاتی قائل نبودند و سعی می‌کردند به حد اقل آن - که زندگی معمولی روزانه آنان را تامین کرده و آن بزرگواران را در راه انجام وظایف فردی و اجتماعی یاری رساند - بسنده کنند و مازاد آن را در راههایی که موجب خشنودی خداوند بود صرف کنند .

یکی از این راهها انفاق به افراد تهیدست و نیازمند می‌باشد. این سیاست خدا پسندانه مالی - که در زندگی همه معصومین علیهم السلام در سطح گسترده‌ای به چشم می‌خورد - علاوه بر جنبه‌های معنوی و آثار اخروی، عامل مهمی در کاهش فقر و فاصله طبقاتی جامعه اسلامی و تالیف قلوب افراد و حفظ شخصیت و علاقه‌مند ساختن آنان به مکتب اهل بیت و جلوگیری از ارتباط گرفتن و نزدیک شدن آنان به دستگاه زر و زور خلفا بود .

در پرتو برخورداری ائمه علیهم السلام از این خلق نیکو، وجود آن بزرگواران پیوسته مایه امید، و خانه‌شان نه تنها مرکز نشر دانش، بلکه پناهگاه افراد نیازمند و درمانده و محل رفت و آمد انسانهای مختلف به ویژه آنان که از راه دور آمده بودند بود. این مساله هم برای عموم مردم جا افتاده بود، به گونه‌ای که وقتی فرد نیازمند و درمانده‌ای را می‌دیدند او را به خانه امامان علیهم السلام راهنمایی می‌کردند، و هم برای خود افراد درمانده، بدین معنی که به محض مواجه شدن با مشکلی مستقیماً سراغ خانه امامت را می‌گرفتند .

امام هادی علیه السلام همچون پدر بزرگوارش کانون سخاوت و کرم بود و گاهی مقدار انفاق به حدی از فزونی می‌رسید که دانشمندی مانند «ابن شهر آشوب» پس از نقل آن می‌گوید :

«این مقدار انفاق، معجزه‌ای است که جز پادشاهان از عهده کسی ساخته نیست و تا کنون این مقدار انفاق را از کسی نشنیده‌ایم»^(۸) .

در کتاب «تاریخ اجمالی پیشوایان» به مواردی از جود و بخشش امام علیه السلام اشاره کردیم، در اینجا به ذکر نمونه دیگری بسنده می‌کنیم. اسحاق جلاب می‌گوید :

«برای ابوالحسن گوسفندان زیادی خریدم، سپس مرا خواست و از اصطبل منزلش به جای وسیعی برد که من آنجا را نمی‌شناختم، سپس تمامی آن گوسفندان را بین کسانی که آن حضرت دستور می‌داد، توزیع کردم»^(۹) .

در روایت دیگر، زمان خرید و توزیع گوسفندان روز «ترویه»^(۱۰) ذکر شده است^(۱۱) .

از این روایت بر می آید که آن حضرت در مسائل مالی و انفاقهای جزئی نیز مسائل امنیتی و حفاظتی را رعایت می کرده و این بیانگر شدت محدودیت آن حضرت از سوی دستگاه حکومتی است، با این حال امام این کار را تحت پوشش قربانی انجام داد تا هر گونه سوء ظنی را نسبت به خود از بین ببرد .

ج - حلم و بردباری

حلم و بردباری از ویژگیهای مهمی است که مردان بزرگ به ویژه رهبران الهی که بیشترین برخورد و اصطکاک را با مردم نادان و نابخرد و گمراه داشتند، از آن برخوردار بوده و در پرتو این خلق نیکو افراد بسیاری را به سوی خود جذب کردند .

امام هادی همچون نیاکان خود در برابر ناملایمات بردبار بود و تا جایی که مصلحت اسلام ایجاب می کرد با دشمنان حق و ناسزاگویان و اهانت کنندگان به ساحت مقدس آن حضرت، با بردباری برخورد می کرد .

«بریح» عباسی - که از سوی دستگاه خلافت به سمت پیشنمازی مکه و مدینه منصوب شده بود - از امام هادی علیه السلام نزد متوکل سعایت کرد و برای او نوشت :

«اگر نیازی به مکه و مدینه داری «علی بن محمد» را از این دو شهر بیرون کن، زیرا او مردم را به سوی خود خوانده و گروه زیادی از او پیروی کرده اند .»

بر اثر سعایتهای پی در پی «بریح» متوکل امام را از کنار حرم جد بزرگوارش رسول خدا(ص) تبعید کرد. هنگامی که امام(ع) از «مدینه» به سمت «سامرا» در حرکت بود «بریح» نیز او را همراهی کرد. در بین راه «بریح» رو به امام(ع) کرد و گفت :

«تو خود می دانی که عامل تبعید تو من بودم. با سوگندهای محکم و استوار سوگند می خورم که چنانچه شکایت مرا نزد امیرالمؤمنین یا یکی از درباریان و فرزندان او ببری، تمامی درختانت را (در مدینه) آتش می زنم و بردگان و خدمتکارانت را می کشم و چشمه های مزرعه های را کور خواهم کرد و بدان که این کارها را خواهم کرد .»

امام علیه السلام متوجه او شد و فرمود :

«نزدیک ترین راه برای شکایت از تو این بود که دیشب شکایت تو را نزد خدا بردم و من شکایت از تو را که بر خدا عرضه کردم نزد غیر او از بندگانش نخواهم برد .»

«بريحه» چون اين سخن را از امام(ع) شنيد، به دامن آن حضرت افتاد و تضرع و لابه کرد و از او تقاضای بخشش نمود. امام(ع) فرمود: تو را بخشيدم^(۱۲).

د - هيئت در دلها

امامان عليهم السلام مظاهر قدرت و عظمت خداوند و معادن کلمات و حکمت ذات مقدس حق و منبع تجليات و انوار خاصه او هستند. بر اين اساس از يك قدرت معنوی فوق العاده و نفوذ و هيئت خاصی برخوردارند .

اين هيئت و عظمت خدادادی را در زيارت جامعه و از زبان امام هادی عليه السلام چنين می خوانيم :

«طاها کل شريف لشرفکم، و بضع کل متکبر لطاعتکم، و خضع کل جبار لفضلکم، و ذل کل شيء لکم .» .

هر بزرگ و شريفی در برابر بزرگواری و شرافت شما سر فرود آورده و هر خود بزرگ بينی به اطاعت از شما گردن نهاده و هر زورگویی در برابر فضل و برتری شما فروتنی کرده و همه چیز برای شما خوار و ذليل گشته است .

روی اين جهت بارها اتفاق می افتاد که حاکمان جور در غياب امامان عليهم السلام تصميمهای خطرناکی نسبت به آنان می گرفتند، ولی به محض رویارو شدن با آنان و نگاه به رخسار پرفروغشان، کابوس ترس و وحشت بر دلهايشان سایه می افکند، به گونه ای که مجبور می شدند از تصميم خود بر گردند .

در تاريخ اجمالی پيشوايان بخش زندگانی امام هادی عليه السلام پرتوی از اين هيئت و عظمت الهی را يادآور شدیم، اينک نمونه ای ديگر .

زيد بن موسی^(۱۳) چندين بار به «عمر بن فرج» گوشزد کرد و از او خواست که وی را بر فرزند برادرش (امام هادی) مقدم بدارد و می گفت: او جوان است و من عموی پدر او هستم .

«عمر» سخن او را برای امام هادی عليه السلام نقل کرد. امام فرمود :

«يك بار اين کار را بکن. فردا مرا پيش از او در مجلس بنشان، سپس بين چه خواهد شد .» .

روز بعد «عمر» امام هادی عليه السلام را دعوت کرد و آن حضرت در بالای مجلس نشست . سپس به «زيد» اجازه ورود داد. «زيد» در برابر امام(ع) بر زمين نشست .

چون روز پنج‌شنبه شد ابتدا به زید اجازه داد تا وارد شود و در صدر مجلس بنشیند، سپس از امام(ع) خواست تا وارد شود. امام(ع) داخل شد. هنگامی که چشم زید به امام(ع) افتاد و هیبت امامت را در رخسار حضرت مشاهده کرد از جایش برخاست و امام(ع) را بر جای خود نشاند و خود در برابر او نشست^(۱۴).

ه - رسیدگی به مشکلات و گرفتاری مردم

ائمه علیهم السلام نه تنها در زمینه عبادی و بندگی خدا پیشگام بودند و هیچ کس در این میدان گوی سبقت را از آنان نربود، بلکه در زمینه‌های اجتماعی و رسیدگی به کمبودها و مشکلات مردم و برطرف کردن گرفتاریهای آنان نیز پیشگام بودند، به گونه‌ای که کسی از در خانه آنان ناامید باز نمی‌گشت.

تاریخ، نام افراد زیادی را که برای حل مشکل و رفع گرفتاری خود به پیشوای دهم علیه السلام مراجعه کرده و از محضر آن حضرت با خشنودی بازگشته‌اند، ثبت کرده است. برای رعایت اختصار تنها یک نمونه آن را ذکر می‌کنیم.

«محمد بن طلحه» نقل می‌کند :

«امام هادی(ع) روزی برای کار مهمی «سامرا» را به قصد دهکده‌ای در اطراف ترک کرد. در این فاصله عربی سراغ آن حضرت را گرفت. به او گفته شد: امام(ع) به فلان روستا رفته است. مرد عرب به سمت دهکده حرکت کرد. وقتی به محضر امام(ع) رسید گفت: من اهل کوفه و از متمسکان به ولایت جدت امیرمؤمنان(ع) هستم، ولی بدهی سنگینی مرا احاطه کرده است، چندانکه قدرت تحمل آن را ندارم. و کسی را جز شما نمی‌شناسم که حاجتم را برآورد.

امام(ع) پرسید: بدهکاری‌ات چقدر است؟ عرض کرد: حدود ده هزار درهم.

امام(ع) او را دلداری داد و فرمود ناراحت نباش مشکلت حل خواهد شد. دستوری به تو می‌دهم عمل کن و از اجرای آن سر متاب: این دستخط را بگیر، هنگامی که به «سامرا» آمدی، مبلغ نوشته شده در این ورقه را از من مطالبه کن، هر چند در حضور مردم باشد. مبادا در این باره کوتاهی کنی.

پس از بازگشت امام(ع) به «سامرا»، مرد عرب، در حالی که عده‌ای از اطرافیان خلیفه و مردم در محضر آن حضرت نشسته بودند - وارد شد و ضمن ارائه نوشته امام(ع) به آن حضرت، با اصرار، دین خود را مطالبه کرد.

امام(ع) با نرمی و ملایمت و عذرخواهی از تاخیر آن، از وی مهلت‌خواست تا در وقت مناسب، آن را پرداخت کند، ولی مرد عرب همچنان اصرار می‌کرد که هم اکنون باید پردازی.

جریان به متوکل رسید. دستور داد سی هزار دینار به امام(ع) بدهند. امام(ع) پولها را گرفت و همه را به آن مرد عرب داد. او پولها را گرفت و گفت: خدا بهتر می‌داند که رسالتش را در چه خاندانی قرار دهد^(۱۵).

پی‌نوشت‌ها :

.. (۱) و معدن الرحمة، و خزان العلم، و منتهی الحلم و اصول الكرم... و عناصر الابرار... و صفوة المرسلین... ائمة الهدی و مصابیح الدجی و الاعلام التقی... و المثل الاعلی... و حجج الله علی اهل دنیا و الاخرة و الاولی. «فرازهایی از زیارت جامعه کبیره» .

(۲) مآثر الکبراء، ج ۳، ص ۹۶ به نقل: «ائمنا» ج ۲، ص ۲۵۲ .

(۳) الصواعق المحرقة، ص ۲۰۷ .

(۴) الارشاد، ص ۳۳۳ .

(۵) ائمنا، ج ۲، ص ۲۵۷، به نقل از: سیره الامام العاشر، علی الهادی، ص ۵۵ .

(۶) البداية و النهایة، ج ۱۱، ص ۱۵ .

(۷) در کتاب تاریخ اجمالی پیشوایان علیهم السلام به نمونه‌های دیگری از عبادت امام هادی علیه السلام اشاره شده است .

(۸) مناقب، ج ۴، ص ۴۰۹. مقدار انفاق امام(ع) نود هزار دینار بوده که به سه نفر از یاران خود هر کدام سی هزار دینار داده است. برای آگاهی بیشتر به تاریخ اجمالی پیشوایان، بخش زندگانی امام هادی(ع) رجوع کنید .

(۹) الکافی، ج ۷، ص ۱، ص ۴۹۸ .

(۱۰) روز هشتم ذیحجه را روز «ترویه» گویند .

(۱۱) اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۷ .

(۱۲) ر.ک. اثبات الوصیه، مسعودی، ص ۱۹۷ - ۱۹۶ .

(۱۳) ظاهرًا نامبرده زید بن موسی بن جعفر است که به «زید النار» معروف است. و بر اساس نقل سید محسن امین در اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۱۲۸ در حدود سال ۲۴۷ در اواخر حکومت متوکل در گذشته است .

(۱۴) اعلام الوری، ص ۳۴۷ .

(۱۵) بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۷۵، نور الابصار، شلنجی، ص ۱۸۱ و الفصول المهمه، ابن صباغ، ص ۲۷۸، با اختصار .

کتاب: تحلیلی از تاریخ دوران دهمین خورشید امامت، ص ۱۶ .

نویسنده: مرکز تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی